

نیم رخ جنایی تشدید کیفر تعدد جرم در پرتو قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

حمزه رضایی^۱، اسماعیل صفری^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی - مدرس دانشگاه

h.rezaii98@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایران

چکیده

تعدد جرم از مباحث مطرح در حقوق کیفری جهان است که دو حالت اصلی دارد. حالت اول - شخصی مرتکب جرایم متعدد مادی شده و سپس وارد سیستم عدالت کیفری می شود. شرایط تحقق تعدد مادی، اول - شخص چند رفتار مجرمانه مرتکب شود. دوم - در زمان محاکمه محکومیتی قطعی از جرایم قبلی در مورد مجرم اجرا نشده باشد. مجازات تعدد مادی جرم در سه گروه تقسیم بندی شده است. ۱ - تاسه جرم ۲ - بیش از سه جرم ۳ - جرایم درجه هفت و هشت. صورت دیگر تعدد معنوی و شامل جرم واحد با اوصاف متعدد مجرمانه است. در صورت معنوی تعدد نتیجه واجد وصف مجرمانه متعدد شده است. قانون گذار در قانون حاضر مجازات جرایم دارای وصف سنگین را تشدید نموده است. قانون گذار حدود و میزان تشدید و تخفیف مجازات محکومین را تعیین، قانون حاضر را شفاف نموده است و محاکم در بررسی جرایم از قانون روشنی پیروی می کنند. مجازات تعیین شده طبق قانون جدید با مبانی حقوقی سازگاری داشته و قابل دفاع می باشد. پژوهش حاضر به صورت تحلیلی - توصیفی انجام شده است. ضمن بهره گیری از کتاب های مرجع و مجلات معتبر از نظریات اساتید مستفید شده، مبانی نظری را بررسی، سوابق قانونی موضوع طرح و نهایتاً جنبه های گوناگون تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی را تحت دقت نظر قرار داده است. هدف از این پژوهش آن است که نشان دهد تشدید مجازات رهیافت اصلی حقوق کیفری قانون گذار ایران بوده و جهت نیل به این هدف، دامنه نفوذ مجازات را به ترک فعل مجرمانه و تعدد نتیجه توسعه داده و حداکثر مجازات قانونی و بیش از آن را در مورد مجرم جرایم متعدد اعمال نموده است. در تعدد جرایم حدی، قصاص و دیات وضع قوانین جدید را توسعه داده است.

واژه های کلیدی: تشدید مجازات، تعدد جرم، تعدد مادی، تعدد معنوی، قانون مجازات اسلامی

ادبیات و مفهوم شناسی

تعریف قاعده تعدد جرم

وقوع جرایم در جوامع بشری امری حتمی و غیر قابل اجتناب می باشد و بزهکاران همیشه در طول تاریخ با رفتار مجرمانه خود نظم و امنیت اجتماعی را دچار مخاطره نموده و اذهان عموم مردم را مشوش نموده اند. اما مجرمین همیشه اینگونه عمل نمی کنند که یک جرم کامل را مرتکب شده و سپس منتظر بازتاب اجتماعی و نتیجه اقدامات قضایی بنشینند بلکه ممکن است فردی مجرم تحت پوشش خاص و با حیل از دست مامورین خود را مخفی نموده و در یک دوره زمانی جرایم متعددی را مرتکب گردد در حالی که در این زمان دستگاه های نظارتی اجتماعی حتی متوجه وقوع جرایم توسط وی نگردند و در واقع شخصی مرتکب چند فقره جرم مجزی از هم در زمان های مختلف بشود بدون اینکه یک محکومیت قطعی فاصل بین آنها باشد (پیمانی، ۱۳۷۴، ۷). این جرایم ممکن است جرایم مختلفی باشند و یا از یک نوع که در واقع امر همان تحقق تعدد جرم می باشد فرقی نمی کند اما آنچه که مهم است این است که بین اولین جرم ارتكابی مجرم و آخرین جرم ارتكابی وی محکومیتی قطعی فاصله نیانداخته باشد. تعدد جرم بین حداقل دو جرم و یا بیشتر امکان وقوع دارد البته گاهی نیز ممکن است وقوع تعدد جرم بدلیل پنهانکاری مجرم نباشد بلکه فاصله کم جرایم ارتكابی از یکدیگر شرایطی رخ می دهد که فرصت تعقیب و مجازات مجرم برای جامعه بوجود نمی آید.

در این شرایط نیز مجرم شرایط روحی و روانی خطرناک خود را به جامعه نشان داده و جامعه را به عکس العمل شدید وادار می نماید در واقع هرگاه بزهکار جرایمی متعدد را کنار هم و با فواصل معین و غیر معین انجام می دهد بی آنکه هیچ یک از آنها به مرحله صدور حکم یا اجرا رسیده باشد و یا با عمل واحد چند عنوان مجرمانه را به عهده می گیرد و یا چند نتیجه از عمل واحد او ایجاد می شود (نوربها، ۱۳۸۶، ۴۱۰). تعدد جرم حادث شده است و حقوق مدرن ضمن پذیرش قاعده تعدد جرم در حدود و ثغور آن و گسترش زوایا و روشن کردن ابهاماتش فعال می باشد و به صورت کلی این قاعده بعنوان نمودی از حالت خطرناک مرتکب آن باعث قرار گرفتن آن جزء قواعد تشدید مجازات مرتکبین جرایم متعدد گردیده است.

شرایط تحقق تعدد جرم و تشدید مجازات بدلیل ارتكاب جرایم متعدد

آنگونه که عدالت و انصاف حکم می کند هرگاه فردی مرتکب جرمی شود مستحق مجازات متناسب همان رفتار مجرمانه خود می گردد و شایسته نیست مجرمی بی مجازات رها گردد که در این صورت اضافه بر تضییع حقوق زیان دیدگان از جرم و بر هم خوردن آرامش اجتماعی بدلیل بی مکافات ماندن مجرم که نظم اجتماع را بر هم زده است ممکن است موجب افزایش جرایم در جامعه و بالا رفتن احتمال ارتكاب جرایم دیگر گردد به همین اساس چنانچه مرتکب جرایم متعدد گردد آنچه عادلانه تر می باشد تشدید مجازات وی است.

اما تحقق جرم به صورت و عنوان خاص تعدد جرم همانگونه که از نام آن پیداست زمانی اتفاق می افتد که مجرم مرتکب چند رفتار مجرمانه گردد. البته تعدد جرم با ارتکاب حداقل دو جرم نیز محقق می گردد و موجب تشدید مجازات مجرم می باشد اما هر چه این جرایم با تعداد بیشتری انجام شود نشانگر آسیب فراوان وارده به جامعه توسط مجرم است لذا مجرم را مستحق برخورد شدیدتر و مجازات سنگین تر می نماید لذا برای تحقق عنوان تعدد جرم و تشدید مجازات، لازم است که بوسیله یک فرد جرایم متعددی ارتکاب شده باشد. (پیمانی، ۱۳۷۴، ۱۰)

طبق تعریف در صورت بروز جرایم متعدد توسط یک فرد در صورتی وی ستحق تشدید مجازات بعنوان تعدد جرم میباشد که در زمان دستگیری و محاکمه بعثت جرم آخر جرایم قبلی مجرم کشف نشده باشد و یا اینکه در مورد آنها حکم قطعی صادر نشده باشد.

چنانچه فردی مرتکب چند جرم شده و دارای سوابق متعدد مجرمانه است اگر در موردی وی حکم قطعی صادر شده باشد و وی با وجود تحمل مجازات مجددا مرتکب جرایم دیگر شده مستحق شدت مجازات زیاد بر اساس قاعده تکرار جرم میباشد. اما چنانچه بین جرایم ارتكابی حکم قطعی فاصله نیانداخته باشد یعنی متهم در حین محاکمه نسبت به جرم قبلی محکومیت قطعی نیافته باشد (الهام، ۱۳۷۲، ۷) بر اساس قاعده تعدد جرم محاکمه و مجازات می گردد.

ممکن است یک مجرم قوانین مختلف را بوسیله جرایم کامل مختلف یا یکسان به کرات نقض نماید که در این حالات تعدد جرم به صورت واقعی و مادی اتفاق افتاده است و زمانی نیز مجرم با انجام جرم واحد قوانین متعدد را نقض می نماید یا از عمل مجرمانه او نتایج مختلف و متعدد مجرمانه ای به وجود می آید که در این حالات تعدد جرایم به صورت تعدد معنوی یا اعتباری انجام شده است.

شرایط تحقق تعدد واقعی (مادی) جرم

تعدد جرم از عوامل تشدید مجازات است اما همیشه به یک حالت واقع نمی شود. زمانی ممکن است فرد مجرم مرتکب رفتار مجرمانه مشابه گردد و زمانی نیز رفتار مجرمانه متفاوت از وی سر بزند. همچنین امکان دارد فرد مرتکب چندین جرم گردد اما مجموع جرایم ارتكابی وی عنوان مجرمانه خاص داشته باشد.

تعدد واقعی وقتی تحقق می یابد که فردی مرتکب دو یا چند جرم مستقل و مشخص و مجزا شود قبل از آنکه برای جرم اولی یا جرایم قبلی مورد تعقیب قرار گرفته و به حکم قطعی محکوم شده باشد. (پیمانی، ۱۳۷۴، ۱۱). یعنی مجرمی در زمانی که بدلیل ارتکاب جرم وارد سیستم قضایی می گردد و زمان دادرسی معلوم می گردد که قبلا نیز مرتکب جرم گردیده است.

حال ممکن است مجرم قبل از دادرسی و محاکمه یک جرم مرتکب شده باشد و ممکن است ضمن اقدامات مخفیانه توسط وی و یا بدلیل سرعت و نزدیکی زمان وقوع جرایم، مرتکب چند جرم شده باشد که البته هریک از این جرایم به صورت مجزا و دارای عناصر کامل و مستقل مجرمانه بوده و نتیجه مجرمانه

مستقلی نیز از جرایم ارتكابی بوجود آمده و آسیب یا خسارت و ناامنی بوجود آمده باشد. ضمناً در زمان ارتكاب هر جرم از جرایم متعدد قابلیت انتصاب به مجرم موجود بوده و فرد مسئولیت جزایی نسبت به رفتار خود داشته باشد.

تحقیق جرم متعدد به صورت فوق موجب اعمال قاعده تعدد جرم و تشدید مجازات مجرم می‌گردد و مشروط به اینکه جرایم متعدد باشد، بدون اینکه مجموع اعمال او دارای عنوان خاص مجرمانه باشد (شامبیاتی، ۱۳۸۸، ۴۶۰).

در واقع ارتكاب جرایم متعدد و مستقل دارای عنوان مجرمانه خاص و مجازات معین در قوانین جزایی موجب اعمال قاعده تعدد جرم خواهد بود مگر در شرایطی که خود قانونگذار مجموعه چند جرم را تحت عنوانی خاص مورد حکم قرار داده باشد و در متن قانون تشدید مجازات لازم را در مورد مرتکب اعمال نموده باشد و دیگر موجبی برای اعمال قاعده تعدد واقعی و تشدید مجازات مجرم بر این اساس باقی نمانده باشد.

شرط دیگر اعمال قاعده تعدد جرم این است که وقتی مجرم وارد سیستم قضایی شده و ارتكاب جرایم متعدد توسط وی (حداقل دو جرم) محرز گردید، فرد مجرم بدلیل جرایم قبل از دستگیری محکومیت قطعی به مجازات نداشته باشد و فرد مجرم در زمان ارتكاب جرایم تا زمان آخرین جرم دستگیر نشده باشد و یا در صورت ورود به دستگاه قضایی محکومیت قطعی به مجازات در مورد جرایم قبلی نداشته باشد و در واقع میزان شدت برخورد قانون با مجرمین را درک نکرده باشد. با تحقیق شرایط فوق تعدد مادی و واقعی جرایم شکل گرفته و فرد مرتکب استحقاق تشدید مجازات بر اساس این قاعده را دارد.

شرایط تحقیق تعدد اعتباری (معنوی) جرم

گاهی یک جرم با آنکه نتیجه ارتكاب فعل مادی واحد است دارای اوصاف و عناوین جزایی متعددی است و چنین به نظر می‌رسد که جرایم متعددی واقع شده‌اند (پیمانی، ۱۳۷۴، ۱۴). فردی تحت شرایط خاص اقدام به ارتكاب یک جرم می‌نماید و جرم ارتكابی تمام شرایط تحقیق جرم واحد را دارا می‌باشد اما شرایط به گونه‌ای است که چند عنوان مجرمانه به جرم ممکن است حاکم باشد یعنی شمول چند وصف جزایی بر فعل واحد (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۲۲۲). جرم فرد در عین واحد بودن دارای عناوین مجرمانه متخلف است در این حالت فرد بر اساس قاعده تعدد اعتباری مجازات شدیدترین جرم را تحمل می‌نماید.

البته حالات تعدد معنوی به اوصاف مجرمانه متعدد که در خصوص یک جرم واحد صادق و عمل ناقض چند قانون از قوانین جزایی محدود نمی‌باشد یعنی ممکن است فردی مرتکب چند جرم مجزا گردد که بعضی مقدمه لازم برخی دیگر باشد و در حالت دیگر فرد مجرم مرتکب جرایم مستقل ولی دارای ارتباط می‌گردد که قانونگذار بدلیل این ارتباط و شرایط ارتكاب در متن قانون اقدام به تشدید مجازات مرتکب

نموده و مجموع جرایم ارتكابی را تحت عنوان خاص آورده است و در حالتی هم فاعل واحد است و عمل (جرم) هم واحد ولی نتایج حاصله متعدد می باشد (شامبیانی، ۱۳۸۸، ۴۵۸).

مجرم در اقدام به عمل مجرمانه خود موجب آسیب یا خسارت به افراد مختلف می گردد و با آنکه جرم واحدی با عناصر کامل مرتكب گردیده است اما موجب تضییع حقوق و آسیب و ورود ضرر متعدد می گردد. تحت شرایط فوق چنانچه جرم واحد توسط فرد ارتكاب یابد موجب اعمال قاعده تعدد معنوی می گردد. اجرای مجازات اشد با استناد به قاعده تعدد اعتباری در برخی حالات (فردی مرتكب جرم واحد می گردد که اوصاف مجرمانه متعددی دارد) جای تامل است که در مباحث بعدی به آن پرداخته می شود.

آنچه تا به اینجا مطرح گردید مشترکات تشدید مجازات بدلیل تعدد جرم توسط یک مجرم بوده است که از جوانب مختلف مورد بررسی قرار گرفت و مبانی تاریخی و دیدگاه مکاتب حقوقی به اجمال و به تناسب بحث بیان شد. در ادامه ضمن بیان تعریف، اهداف و خصایص مجازات و تعریف تعدد جرم و شرایط تحقق آن بیان شد. در تعدد اعتباری جرایم چه در ایران و چه در سایر کشورها مجازات به عنوان تعدد تشدید نمی گردد بلکه همیشه اعمال انجام یافته به عنوان یک جرم تلقی و مجازات جرم اشد مورد حکم قرار می گیرد (پیمانی، ۱۳۷۴، ۱۴).

مبانی قاعده تعدد جرم

مبانی حاکم در تعیین مجازات براساس قاعده تعدد جرم

ارتكاب رفتار مجرمانه متعدد توسط فرد، قانونگذار و محاکم را مجاب به تشدید مجازات همان فرد متناسب با شخصیت و نحوه تعداد جرایم می ناید. البته تعدد جرم گاهی با تعدد افعال به وقوع می پیوندد و گاهی اوصاف متعدد در یک جرم قابل تصور می باشد. تعدد جرم و نحوه مجازات مجرم در فقه اسلامی نیز دارای سابقه می باشد. هریک از حالات تعدد و یژگیهای خاص داشته و برآن اساس کیفر متناسب برای تعدد جرم تعیین و در مورد مجرم اعمال می گردد.

عوامل تشدید مجازات

افراد بزهکار با ارتكاب رفتار مجرمانه مستحق مجازات می باشند زیرا علاوه بر برهم زدن امنیت و آرامش جامعه، با رفتار خطرناک خود موجب بروز آسیب های جانی و مالی به افراد شده اند. گاهی اوقات عمل مجرمانه ای که صورت می گیرد توأم با خطرات بیشتری برای جامعه بوده و بالمآل تنفر و انزجار بیشتری را برای افراد جامعه به وجود می آورد در این حالت مقنن مجازات های سنگین تری برای این قبیل افراد منظور می نماید (شامبیانی، ۱۳۸۸، ۲۵۳).

تشخیص خطرناکی رفتار مجرمانه افراد توسط محاکم و به طریق قانونی صورت می‌گیرد و تشدید مجازات مجرمین نیز با میزان قانونی تعیین می‌شود که حدود آن تحدید گردیده است تا جلو خودکامگی محاکم در تشدید مجازات افراد به بهانه خطرناک بودن مجرمین گرفته شود.

تشدید مجازات به دو صورت اعمال می‌گردد. با پیش‌بینی قانون‌گذار و در صورت تحقق شرایط قانونی، مجازات جرم ویژه به میزان مقرر در قانون تشدید می‌گردد که به آن تشدید مجازات خاص گفته می‌شود. گاهی نیز قانون‌گذار بدون تمرکز به جرم ویژه گروه و یا عموم جرایم را در صورت تحقق شرایط، مشمول میزان معینی از تشدید مجازات قرار می‌دهد که اصطلاحاً تشدید مجازات عام گفته می‌شود.

جهات عام تشدید مجازات

عوامل تشدید مجازات که قانون‌گذار مورد قبول قرار داده است مختلف می‌باشد و به یک صورت مجازات مجرمین را تشدید نمی‌نماید. شرایط مختلف تشدید مجازات کیفیات مشدده متفاوتی را ایجاد می‌نمایند.

در واقع سبب‌های تشدید مجازات کیفیات و اوصافی است که قانون‌گذار تعیین کرده و دادرس به محض احراز آنها به حداکثر یا بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون برای همان جرم حکم خواهد کرد (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۲۱۷). این اوصاف در پاره‌ای از موارد مربوط به جرم خاص نمی‌باشد و موجب تشدید مجازات عمومی جرایم می‌گردد و منظور از جهات تشدید عام جهاتی هستند که مربوط به جرم مشخص و معینی نمی‌باشند بلکه کیفیاتی هستند که هرگاه مقارن با هر جرمی باشند موجب تشدید مجازات می‌گردند (عزیزی، ۱۳۹۲، ۱۸۳). تشدید مجازات عموماً در جرایمی که موجب نگرانی زیاد از بزهکاری مجرم در جامعه ایجاد می‌کند، اعمال می‌گردد.

در واقع وقتی ارتکاب جرم نشانگر حالت خطرناک مجرم باشد پاسخ کیفری قانون‌گذار شدیدتر خواهد بود. تعدد و تکرار جرم دو قاعده پذیرفته شده قانون‌گذار در اعمال تشدید مجازات مجرمین خطرناک می‌باشد که با حصول و احراز شرایط تعدد یا تکرار جرم دادرس دادگاه ملزم به تشدید مجازات مجرم می‌باشد. اما دادرس در تعیین مجازات مجرم آزادی بی‌قید ندارد بلکه قانون‌گذار حدود تشدید مجازات را به حداکثر مجازات قانونی شدیدترین جرم یا به بیش از آن تعیین نموده است تا شبهه خودکامگی محاکم در تشدید مجازات به وجود نیاید. از طرفی در موارد خاص و یا جرایم کم‌خطر برای جامعه نیز اعمال قاعده را مستثنی کرده و چنین جرایمی را مستحق مجازات شدید نمی‌داند. نهایتاً قانون‌گذار تحت عناوین تکرار و تعدد جرم به صورت عام شرایط اعمال تشدید مجازات مجرمین و حدود تشدید مجازات مجرمین را معین و محاکم را ملزم به رعایت آن دانسته است.

جهات خاص تشدید مجازات

مجرمین در ارتکاب برخی از جرایم شرایط خاصی را ایجاد می‌نمایند بدین معنی که جرم را با اوصافی مرتکب می‌شوند که خاص آن جرم می‌باشد. کیفیات مشدده اختصاصی کیفیاتی هستند که به جرم خاص و یا جرایم معینی برمی‌گردند (شامبیاتی، ۱۳۸۸، ۴۵۲). قانون‌گذار برخی رفتار مجرمانه را دارای حالت خطرناک فرض کرده است و در این فرض نوع و کیفیت ارتکاب رفتار مجرمانه را در خصوص همان جرم معین بادقت ملاحظه و میزان آسیب روانی جامعه در صورت ارتکاب رفتار مجرمانه ویژه مد نظر قرار داده و در صورتی که جرم تحت شرایط و کیفیات اختصاصی مورد نظر قانون‌گذار ارتکاب یافته است، مجرم با شدت عمل روبرو می‌گردد. کیفیات خاص مشدده حالت خطرناکی ویژه‌ای را در مورد مرتکب نشان می‌دهد و دادرس به محض احراز شرایط مکلف است در محدوده تعیینی توسط قانون‌گذار مجازات مجرم را تشدید نماید. آنچه قابل توجه است این است که؛ تشدید مجازات فقط در صورتی امکان‌پذیر است که این مجازات از طرف خود قانون‌گذار پیش‌بینی شده باشد (شامبیاتی، ۱۳۸۸، ۲۵۴). دادرس دادگاه نمی‌تواند به دلیل زنده بودن رفتار مجرمانه و یا برداشت شخصی از حالت خطرناک مجرم نسبت به تعیین مجازات شدید به میزان مورد نظر خود عمل نماید، بلکه در حالات مفروض و خاص جرم مورد نظر و فقط به میزان تعیینی قانون‌گذار مجاز به تشدید مجازات جرم ارتكابی می‌باشد.

نظریه جب

گاهی اتفاق می‌افتد فردی مرتکب چند جرم مجزا می‌گردد و در واقع تعدد جرم اتفاق افتاده است اما اجرای مجازات بعضی از جرایم اجرای سایر مجازات‌ها را ممتنع می‌نماید. یعنی ممکن است در بین جرایم ارتكابی توسط فرد مجازات اعدام یا سلب حیات وجود داشته باشد. طبق اصل باید تمامی مجازات‌ها در مورد مرتکب اجرا گردد اما با اجرای مجازات قتل، دیگر مجازات‌ها قابلیت اجرایی خود را از دست می‌دهند. طبق نظر فقه عامه، در تعدد جرم که به مجازات‌های مختلف، حکم صادر شده باشد، در مقام اجرا، اگر جمع آنها ممتنع باشد به یک مجازات بسنده می‌شود (الهام، ۱۳۷۲، ۵۰).

همانگونه که ملاحظه می‌گردد این قاعده در زمان اجرای مجازات ظهور می‌کند در واقع در خصوص تعدد مجازات‌هاست. این قاعده زمانی بروز پیدا می‌کند که جزای رفتار مجرمانه ای قتل باشد و جرایم مستوجب دیگر مجازات‌ها نیز فرد مرتکب شده باشد که در این صورت فقط مجازات اعدام در مورد فرد مجرم اعمال می‌گردد.

در حدود اجرای قاعده جب نیز اختلاف نظر بین معتقدان به آن وجود دارد. گروهی از علمای اهل سنت معتقدند چنانچه همه حدود با قتل جمع شود بجز حد قذف فقط قتل در مورد مرتکب اعمال می‌گردد.

گروه دیگر بر این باورند که چنانچه مجازات‌های جمع شده با قتل حدودا... باشد فقط قتل اجرا شده و جرایم طبق قاعده تداخل در هم تداخل می‌نماید اما در حقوق الناس تداخل انجام نمی‌گیرد و مجازات‌ها به گونه‌ای انجام می‌گیرد که در مورد همه جرایم ارتكابی مجازات خاص آنها اجرا شده باشد. گروه دیگر معتقد بر تقدم حقوق الناس بر حق... هستند و معتقدند در صورت بروز حدود مختلف ابتدا مجازات موضوع حقوق الناس اجرا می‌گردد و در صورتی که محل اجرای حدودا... باقی بود اجرا می‌شود و گرنه به همان حد اجرا شده بسنده می‌گردد.

قاعده جب در نزد امامیه ظاهراً مورد قبول نشده است (الهام، ۱۳۷۲، ۵۴) و با استفاده به نصوص مختلف در زمانی که جرایم متعدد توسط فرد ارتكاب می‌یابد اولاً باید جزای تمامی اعمال ارتكابی مجرم در مورد وی اجرا شود و ثانیاً اجرای مجازات‌ها باید به گونه‌ای باشد که مجازات هر یک از جرایم موجب از بین رفتن زمینه سایر مجازات‌ها نباشد و این خود قاعده جمع مجازات‌ها می‌باشد که در مورد جرایم متعدد ارتكابی توسط یک نفر اعمال می‌گردد. استثناء وارد شده بر این قاعده موارد خاص است که منصوصاً در روایات وارد شده و تبعداً طبق نص عمل می‌گردد و گرنه قاعده در سایر موارد جاری می‌باشد.

پذیرش قاعده تداخل در مجازات متعدد موجب حد

براساس ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است. ملاحظه می‌گردد شرایط تحقق جرایم موجب حد براساس آنچه در شرع مقدس تصریح شده است می‌باشد و آن برگرفته از نصوص آیات و روایات می‌باشد. لذا قابلیت توسعه ندارد.

در مواردی که در مورد تحقق جرم موجب حد شبهه به وجود آید براساس قاعده درأ از اجرای مجازات حد جلوگیری می‌شود. در جرایمی که مجازات آن حد است قاعده کلی عدم اجرای مجازات متعدد است (پیمانی، ۱۳۷۴، ۱۰۴). رفتار مجرمانه افراد موجب واکنش اجتماعی و مجازات مجرم می‌گردد و هر اندازه جرم ارتكابی شدیدتر باشد مجازات نیز تشدید می‌گردد و چنانچه فردی مرتکب جرایم متعدد گردد و مستحق مجازات شدیدتر از فردی که یک جرم مرتکب شده است می‌باشد. اما در جرایم موجب حد به شرط اینکه در فاصله ارتكاب جرایم متعدد مجازات حدی در مورد مرتکب جرم اجرا نشده باشد و جرایم ارتكابی از یک نوع باشند تداخل مجازات‌ها به وقوع می‌پیوندد. تداخل اسباب برخلاف اصل است لیکن به دلیل نص خاص تبعداً در موارد منصوص مورد عمل قرار گرفته است (پیمانی، ۱۳۷۴، ۷۶). همان گونه که بیان گردید هر جرم سبب برای مسبب خاص خود که همان مجازات جرم مورد نظر می‌باشد است لذا اصل بر عدم تداخل اسباب و مسببات است. ولی طبق ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص جرایم موجب حد نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است و نصوص وارده در خصوص حدود

تحت شرایطی تداخل مجازات‌های موجب حدّ را پذیرفته است و علی‌رغم ارتکاب جرایم متعدد موجب حدّ فقط یک مجازات در مورد مرتکب اعمال می‌گردد.

فردی مرتکب جرم زنا گردیده است و حال که وارد دستگاه کیفری گردیده مشخص می‌شود وی به صورت متعدد زنا شده بدون اینکه حکم حد در مورد وی به اجرا گذاشته شده باشد. در ماده ۱۳۲ قانون مجازات در تعدد زنا تداخل عقوبات وقتی است که زناهای متعدد مستوجب یک نوع مجازات باشد (الهام، ۱۳۷۲، ۹۰). ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی نیز شرط تداخل را در حدود، یکسانی جرایم موجب حد از طرف مرتکبان آن جرایم و همچنین یکسانی مجازات آن مقرر نموده است.

پس در اجرای حدّ بر مرتکب دو حالت ممکن است پیش آید اول، آنکه جرایم موجب حدّ از یک نوع و دارای مجازات یکسان باشند، طبق انتهای ماده ۱۳۲ در این حالت تداخل مجازات‌ها شده و فقط یک مجازات در مورد مرتکب اعمال می‌گردد. طبق اصل اسباب و مسببات هر بار زنا موجب اجرای یک حدّ در مورد مرتکب می‌باشد و تداخل مسببات و اجرای یک حدّ با شرایط فوق خلاف اصل است اما حدّ زنا به طبیعت عمل اعم از زیاد بودن یا کم بودن آن تعلق گرفته است (الهام، ۱۳۷۲، ۹۱). با قبول این مطلب تداخل موضوعیت خود را از دست می‌دهد، زیرا تعدد زنا از یک نوع با نوع مشخصی از مجازات در ماهیت آن و طبیعت آن بی‌تاثیر است. همچنین تعدد و دفعات ارتکاب عمل نیز طبیعت آن را تغییر نمی‌دهد. لذا اجرای یک حدّ بر زناکار کفایت می‌نماید و مجازات اعمال شده بر نفس عمل اعمال می‌گردد.

حالت دوم، چنانچه جرایم موجب حد از انواع متعدد باشند طبق صدر همان ماده مجازات‌ها تماماً در مورد مجرم اجرا می‌گردد و لذا جمع مجازات‌ها صورت می‌گیرد و قاعده جمع مجازات‌ها در آن حاکم است. در بزه قذف نوع اسناد، زمان و مکان وقوع جرم و نحوه مطالبه مجازات از جانب مقدّوف علیه ملاک وحدت یا تعدد جرم دانسته شده است (پیمانی، ۱۳۷۴، ۱۰۲). در این نوع جرم نیز همان ملاک جرم حدّی زنا جاری می‌باشد به این صورت که اساس متعدد دانستن جرم مستحق مجازات متعدد اعمال مادی متعدد نیست بلکه قانون‌گذار در مواد ۲۵۷ و ۲۵۸ قانون مجازات اسلامی و تحت عنوان حدود ملاک تعدد جرم را بر پایه نوع جرم و مجازات آن قرار داده است. فردی که دیگری را به دفعات متعدد قذف می‌نماید اما به دلیل فاصله زمانی کوتاه یا عدم تقاضای قذف‌شونده، حدّ قذف در مورد مرتکب جرم اعمال نمی‌شود، به تقاضای قذف‌شونده فقط یک حدّ در مورد مجرم اجرا می‌گردد. در این جا نیز تداخل مجازات‌ها به وقوع می‌پیوندد و یک مجازات به جانشینی مجازات‌های متعدد قذف در مورد او اجرا می‌شود.

اما طبق تبصره ۴ ماده ۱۳۲ چنانچه قذف نسبت به چند نفر باشد موجب چند مجازات است یعنی در این حالت قانون‌گذار شدت عمل را مد نظر قرار داده و مجازات‌ها همگی در مورد مجرم اعمال می‌گردد و چنانچه عمل وی دشنام نسبت به یک نفر و قذف نفر دوم باشد طبق تبصره ماده ۱۳۵ هر دو مجازات در مورد وی اعمال می‌گردد. در مواردی که مجازات مشمول حدّ می‌باشد برای تعیین مجازات حکم خاص

مقرر شده است (شامیاتی، ۱۳۸۸، ۴۶۵). این حکم خاص نیز براساس نصوص وارد شده تعیین شده که نوع و میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است. طبق ماده ۱۴۰ مجازات تعیینی برای جرم حدی قذف شلاق (درجه ۶) می باشد و باید توجه داشت که اجرای کیفرهای بدنی از جمله شلاق که هدف شارع نبوده بلکه صرفاً پیشگیری از وقوع جرم را مدنظر داشته است (گلدوزیان، ۱۳۸۸، ۳۱۵) اما باید توجه داشت که میزان آزاردهندگی جسمی مجرم در اجرای مجازات شلاق می تواند عامل بازدارنده مناسبی جهت حفظ جامعه در مقابل ارتکاب بزه قذف باشد. خصوصاً اینکه مجازات شلاق تحقیرآمیز بوده و خوارکننده مجرم است و این به دلیل بی توجهی مجرم به نظام اجتماعی به وی تحمیل می گردد و با توجه به نصوص وارده و طبق قانون که ملاک مجازات را ماهیت جرم قرار داده است در حالات فوق فقط یک مجازات در مورد مرتکب اعمال می گردد.

طبق ماده ۱۱۰ در مورد جرم لواط هرگاه فاعل جرایم متعدد مرتکب شده باشد، در صورت اثبات جرم در دادگاه و با وجود جمیع شرایط آن، حکم مورد اجرا در مورد مجرم اعدامی است که با وجود شرایط و اثبات جرم در مورد مجرمی که یک بار نیز مرتکب لواط شده باشد اجرا می گردد. اجرای مجازات متعدد در مورد جرایم متعدد به این صورت متصور نمی باشد چرا که اجرای چند حکم اعدام در مورد مجرم امکان ندارد.

اما چنانچه مرتکب جرایم حدی مختلفی انجام داده باشد مانند تفخیز و لواط که اجرای جرم به صورت متعدد متصور است و چنانچه این جرایم مستوجب حد در یک واقعه اتفاق افتاده باشد و در راستای هم باشد طبق تبصره ۲ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی تنها مجازات لواط (مجازات اشد) اجرا می شود.

در واقع تحت این شرایط مجازات جرم لواط در مجازات جرم تفخیز تداخل کرده به جانشینی آن در مورد مرتکب اعمال می گردد و طبق ماده ۱۲۱ با اینکه مجازات تفخیز شلاق، طبق ماده ۱۱۰ مجازات لواط با وجود شرایط اعدام می باشد با توجه اصل در آن که قبلاً بیان شد در صورت شک در اجرای یک یا دو حد در مورد مرتکب تحت شرایط فوق فقط یک حد در مورد مرتکب اعمال می گردد و آن مجازات اشد است.

اما قبلاً بیان گردید که شلاق که مجازاتی بدنی است آثار آزاردهندگی و تحقیرآمیز فراوانی دارد که موجب بازدارندگی در فرد و جامعه می گردد اما اعدام اضافه بر اینکه جامعه را از وجود مجرم مصون نگه می دارد قدرت بالایی در ایجاد رعب و هراس دارد و فرد و جامعه را در قبال ارتکاب بزه ایمن می نماید اما آزاردهندگی آن و نیز تحقیرآمیز بودن آن به اندازه شلاق خصوصاً اگر در ملاءعام باشد نیست.

باید توجه داشت که حد کیفرهای بیشتر بدنی است که از پیش، اندازه و مقدار آن تعیین شده است و قاضی در کم و زیاد و تبدیل و استمط آن اختیاری از خود ندارد (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۱۵۲). بیان شد که شارع مقدس در اجرای حدود تمایل به ایجاد زمینه های بازدارندگی دارد تا اعمال مجازات تک تک جرایم و انتقام کشی

از مجرم، لذا طبق نصوص در این شرایط نیز تنها مجازات لواط با ویژگی‌های خود در مورد مرتکب اعمال می‌گردد.

جرم سرقت نیز تحت شرایطی مستوجب مجازات حدی می‌گردد. در اینکه در سرقت‌های مکرر بدون اجرای حد، فقط یک مجازات اجرا می‌شود اختلافی نیست (الهام، ۱۳۷۲، ۷۷) و این همان دیدگاهی است که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ماده ۱۳۲ مقرر داشته است.

فردی مرتکب سرقت از نوع سرقت مستوجب مجازات حدی گردد و مجازات مقرر در مورد وی اعمال شود چنانچه مجدداً و برای بار دوم مرتکب جرم سرقت موجب حد گردد مجازات وی تغییر نمی‌نماید و با تکرار جرم و مجازات این تغییر تا اعدام مرتکب جرم سرقت مستوجب حد تحت شرایط خاص خود ادامه می‌یابد. اما چنانچه فردی مرتکب جرایم سرقت متعدد مستوجب مجازات حدی گردد اما تا زمان دستگیری حد سرقت در مورد وی اعمال نشده باشد و با توجه به آنچه بیان شد در برخورد با تعدد جرایم مستوجب حد ملاک نوع جرم و مجازات آن است (پیمانی، ۱۳۷۴، ۱۰۲). فقط یک مجازات در مورد مرتکب اعمال می‌گردد و مجازات اعمال شده در سایر مجازات‌ها تداخل کرده و به جانشینی آن در مورد مجرم به موقع اجرا گذارده می‌شود و قاضی در کم و زیاد و تبدیل و اسقاط آن اختیاری از خود ندارد (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۱۵۲) حکم حدی که در خصوص سرقت اعمال می‌شود یک مجازات سخت بدنی است که قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۷۸ به مراحل چهارگانه آن پرداخته است.

حال فرض کنید فردی مرتکب چند سرقت شده است که در زمان کشف معلوم می‌گردد، یکی از سرقت‌ها طبق ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی موجب حد و سایر سرقت‌ها این شرایط را دارا نمی‌باشد. در این حالت مجازات حدی در سایر مجازات‌ها تداخل کرده و به جانشینی از آنها، فقط همین مجازات در مورد مرتکب اعمال می‌گردد؛ این موضوع را قانون‌گذار در تبصره ماده ۱۳۵ آورده است.

جانشینی مجازات حدی و تداخل آن در مجازات جرم تعزیری طبق قاعده فوق در خصوص زناهای متعدد که برخی موجب حد و برخی موجب تعزیر باشد پیش‌بینی شده و تبصره حاضر در جرایم مشمول قاعده اعلامی حصری عمل نکرده و مطلق جرم حدی که از جنس جرم تعزیری باشد را شامل این ویژگی دانسته است. اضافه بر آثار غیرقابل بازگشت برخی از حدود اجرایی دارای ویژگی اربعایی و هراس‌انگیزی و در نتیجه بازدارندگی زیاد در فرد و جامعه می‌گردد اما تحقیر حاصل از اجرای حد موجب سرقت (قطع عضو) بسیار شدید و دائمی می‌باشد که همیشه همراه فرد می‌باشد و زمینه بازگشت مجرم را به دامن جامعه سخت می‌نماید.

با توجه به تعیین مجازات و ملاک آن در حدود که عموماً نوع جرم می‌باشد و با عنایت به ماهیت جرم، مجازات حدی تعیین می‌گردد نه تعداد و دفعات ارتکاب جرم، تحت شرایط یک مجازات در مورد مرتکب اعمال می‌گردد.

قاعده تداخل در تعدد جرایم موجب حد و قصاص و تعزیر

قانون مجازات اسلامی اعمال قاعده تعدد جرم را به صورت خاص در جرایم موجب تعزیر اعمال نموده و در ماده ۱۳۲ تصریح نموده است که در جرایم موجب حد، تعدد جرم موجب تعدد مجازات است. ویژگی تداخل مجازات و اعمال یکی از مجازات‌ها به جانشینی سایر جرایم به صورت اشد یا بیش از اشد را در مورد تعدد جرایم که از جرایم موجب حد و تعزیر یا قصاص و تعزیر یا حد و قصاص جاری ندانسته است.

در این حالات تحت شرایطی قاعده جمع مجازات‌ها را اعمال کرده و ویژگی خاصی را در نحوه برخورد با مجرم جرایم متعدد با این وصف اعمال ننموده و براساس اصل اسباب و مسببات مجرم را مستحق تحمل مجازات‌های گوناگون دانسته است. ماده ۳۸۹ قانون مجازات اسلامی رویه مطالب فوق مقرر کرده است که چنانچه به علت یک یا چند ضربه جنایت‌های متعدد در یک یا چند عضو به وجود آید، حق قصاص برای هر جنایت، به طور جداگانه ثابت است.

همچنین در مواردی که جنایتی از طرف مجرم به وقوع پیوسته است موجب دیه می‌باشد قانون‌گذار در ماده ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی اصل را تعدد دیات دانسته و عدم تداخل که مطابق اصل اسباب و مسببات می‌باشد را مورد عنایت قرار داده است. ماده ۵۴۲ تاکید بر اصل مذکور در ماده قبل بوده به صورت کلی رفتارهای متعدد موجب دیه را موجب دیات متعدد دانسته است.

فرض کنید مجرمی ضمن قذف طرف ضربه‌ای به او نیز وارد آورده و بر اثر این ضربه بلافاصله یک چشم مجنی علیه کور شده و آسیب وارده به مغز وی منجر به کوری وی می‌گردد. حال با توجه به مواد فوق‌الذکر تداخل در مجازات‌ها به وجود نیامده و طبق ماده ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی محکوم علیه علاوه بر پرداخت دیه کامل شنوایی و نصف دیه کامل بینایی می‌بایست طبق ماده ۲۵۰ همان قانون مجازات قذف (۸۰ ضربه شلاق) را نیز تحمل نماید.

مجرمی را فرض کنید مرتکب زنا غیر محصنه شده و پس از انجام عمل متوجه شاهد بودن فردی بر جرم خود می‌گردد و جهت کتمان جرم اقدام به قتل شاهد می‌نماید و سپس دستگیر و به جرایم خود اقرار می‌نماید. مجرم علاوه بر قصاص باید طبق ماده ۲۳۰ مجازات جرم زنا را نیز تحمل نماید و قاعده تداخل در این جا اعمال نمی‌گردد.

تعیین کیفر در اعمال قاعده تعدد جرم

فردی که مرتکب رفتار مجرمانه می‌گردد مستحق مجازات می‌باشد اما تعیین مجازات برای جرایم ارتكابی افراد همیشه امر سهل و آسانی نمی‌باشد. چنانچه مجرم جرایم متعدد مرتکب گردد جامعه با شدت عمل بیشتری با وی برخورد می‌کند و مجازات شدیدتری را در مورد وی اعمال می‌نماید. در جرایم تعزیری قاعده تعدد جرم در تعیین مجازات موثر است. اما مجازات حد در قالب تعدد تعیین کیفر نمی‌گردد.

مشخصه بارز مجازات‌های حدی مقدار ثابت مجازات اعمال شده در مورد مرتکب می‌باشد که در این مجازات ثابت شخصیت مرتکب تأثیر مستقیم نداشته و در مورد مرتکبان که شرایط مسئولیت جزایی را داشته باشند اعمال می‌گردد. قاعده تعدد جرم در مورد قصاص نیز جاری نمی‌گردد. قانونگذار قصاص را یکی از اقسام چهارگانه مجازات اعمال شده در خصوص مجرمین می‌داند و از حقوق الناس بوده و اعمال این مجازات منوط به تقاضای متضرر از جرم یا اولیاءدم می‌باشد.

تعدد جرم در تعزیرات

قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ قاعده تعدد جرم را در مورد جرایم تعزیری اعمال نموده است. اما تعیین کیفر در تعدد جرایم تعزیری شرایط ویژه‌ای دارد. نحوه مجازات جرایم تحت عنوان تعدد معنوی در این قانون تا حدود زیادی روشن شده است. مجازات تعدد واقعی در جرایم تعزیری به سه حالت مجازات جرایم تا ۳ جرم و مجازات جرایم بیش از ۳ جرم که این مجازات‌ها در مورد مجازات‌های درجه ۱-۶ اعمال می‌گردد. در جرایم درجه ۷ و ۸ قاعده تعدد اعمال نمی‌شود.

در تعدد اعتباری

فردی که مرتکب رفتار مجرمانه می‌گردد مستحق مجازات می‌باشد. اما تعیین مجازات برای جرایم ارتكابی افراد همیشه امر سهل و آسانی نمی‌باشد و گاه اتفاق می‌افتد که مجرم یک جرم واحد مرتکب گردیده است اما جرم ارتكابی اوصاف متعدد دارد و یا اینکه گاهی عناوین مجرمانه متعدد به فعل واحد مجرم منصوب می‌گردد و زمانی هم ممکن است جرایم متعدد که یک فرد مرتکب می‌شود، مجموعاً عنوان خاص مجرمانه داشته باشد و ممکن است یک مجرم با قصد مجرمانه واحد به دفعات متعدد جرمی را مرتکب گردد و نهایتاً جرم ارتكابی واحد یک شخص نتایج متعدد به بار می‌آورد تمامی فروض مطرح حالات مختلف تعدد معنوی یا اعتباری را تشکیل می‌دهند که مجازات آن در قوانین جزایی مقدر گردیده است.

جرم واحد با عناوین متعدد

در این حالت فردی مرتکب جرمی گردیده است اما عناوین متعدد مجرمانه شامل جرم شده است و یا جرم واحد اوصاف متعدد پیدا کرده است. همانگونه که در باب اسباب مطرح است، هر جرم سبب است برای مسبب خود که مجازات آن جرم است و نگاه به فرض مطرح یک جرم واحد ارتكاب یافته و اجرای مجازات در مورد آن خلاف قاعده است و مجازات به اعتبارهای مختلف، یعنی تعدد مجازات‌ها توجیهی ندارد (الهام، ۱۳۷۲، ۱۴۳). چگونه می‌توان پذیرفت که فردی که یک فعل مجرمانه مرتکب گردیده به صرف نوع قانون‌گذاری عرفی که ممکن است تحت شرایطی چند عنوان مجرمانه بر یک فعل مجرمانه هم

پوشانی داشته باشند فرد را به مجازات متعدد محکوم نمود. زیرا در هر حال فرد مرتکب یک عمل واحد شده و مستحق یک مجازات است اما فقط عمل فرد است که عناوین یا اوصاف متعدد پیدا کرده است لذا در این گونه از جرایم مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است. تعدد اوصاف نباید حمل به تعدد واقعی جرم و تشدید مجازات گردد (پیمانی، ۱۳۷۴، ۱۶). البته در قانون گذاری جدید ایران در تعیین مجازات این گونه از جرایم فقط مجازات اشد اعمال می‌گردد به این معنی که چنانچه جرمی دارای چند وصف مجرمانه باشد دادگاه براساس ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مجرم را محکوم به مجازات وصفی از جرم می‌نماید که مجازات آن اشد و بیش از مجازات اوصاف دیگر است.

فردی با استفاده از سند مجعول اقدام به طرح دعوا در دادگاه می‌نماید تا بدون استحقاق وجوهی را دریافت نماید این مجرم به جرم استفاده از سند مجعول و به استناد مواد ۵۳۳ و ۵۳۵ قانون تعزیرات مستحق مجازات حبس درجه ۵ (۶ ماه تا ۳ سال) و جزای نقدی درجه ۵ (۳ تا ۱۸ میلیون ریال) می‌باشد و به جرم شروع به کلاهبرداری به استناد بند ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس ارتشاء و کلاهبرداری مستحق مجازات حبس درجه ۴ (۱ تا ۷ سال حبس) می‌باشد و با رعایت ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌گردد و با عنایت به تبصره ۳ ماده ۱۹ همان قانون مجازات حبس درجه ۴ در مورد مجرم اعمال می‌گردد.

به همین صورت است اگر فردی مرکزی برای فساد و قمار تشکیل دهد و افراد را برای اعمال جمع می‌کند، تشویق می‌کند یا موجبات آن را فراهم می‌آورد با توجه به ماده ۶۳۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۰ مجرم به اتهام دائر کردن مرکز فساد و فحشاء مستحق مجازات حبس درجه ۴ (۱-۱۰ سال) و تعطیلی محل که مجازات درجه ۷ می‌باشد و دائر کردن مرکز یا محل برای شرب خمر مستوجب حبس درجه ۶ (۳ ماه تا ۲ سال) و شلاق درجه ۶ (تا ۷۴ ضربه) و جزای نقدی درجه ۵ (۱/۵ تا ۱۲ میلیون ریال) می‌باشد و به استناد ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مجازات اعمال شده در مورد مجرم حبس درجه ۴ بعلاوه تعطیلی محل می‌باشد. البته با عنایت به تبصره ماده ۶۳۹ عمل مجرم در تشکیل مرکز برای فساد عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات فوق حد قوادی نیز در مورد وی اعمال گردیده و این دو مجازات طبق قاعده جمع مجازات‌ها در مورد مجرم اعمال می‌گردد که شامل شلاق درجه ۶ (تا ۷۵ تازیانه) و حبس درجه ۶ (۳ ماه تا یک سال) می‌باشد.

مجازات جرم واحد با نتایج متعدد

گاهی ممکن است فردی مرتکب رفتار مجرمانه واحد گردد و رفتار مجرمانه وی به افراد و گروه‌های مختلف آسیب رسانده موجب حق گردد. در این حالت تعدد نتیجه از رفتار مجرمانه واحد رخ داده است.

مقصود از تعدد نتیجه آن است که بزهکار مرتکب یک عمل مجرمانه می‌گردد اما از فعل یا ترک فعل او چند نتیجه مجرمانه مجزاً حاصل می‌شود (نوربها؛ ۱۳۸۶، ۴۱۰).

فرض کنید یک فرد قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی نادیده گرفته و مرتکب تصادف می‌گردد و در اثر این تصادف چند نفر مجروح و فوت می‌نمایند. می‌بینیم که فرد یک رفتار مجرمانه مرتکب گردیده است یعنی قوانین راهنمایی و رانندگی را نادیده گرفته و ترک فعل وی منجر به آسیب دیدن و مرگ چند نفر مختلف گردیده است.

در فرض دیگر فردی در یک اقدام مجرمانه از پرداخت نفقه زن و فرزندش خودداری می‌نماید. در این حالت مجرم فقط نفقه پرداخت نکرده و نفقه خانواده تفکیکی پرداخت نمی‌گردد و یکجا پرداخته می‌شود یعنی مجرم یک رفتار مجرمانه مرتکب شده اما عمل واحد وی چند نتیجه داشته است.

در فرض‌های مشابه اگر تعدد جرم را ناظر به تعدد افعال بدانیم در اینجا جز یک جرم واقع نشده است ولی اگر بنای تعدد بر وقوع نتایج متعدد هم باشد چند جرم واقع شده است (الهام، ۱۳۷۲، ۹).

در سیستم جزایی سابق مجازات‌ها بر مبنای جزای عمومی تعیین می‌گردید. در شرایط مشابه فروض فوق مرتکب را مستحق یک مجازات می‌دانستند و با فرض اینکه هر رفتار مجرمانه براساس عناصر تشکیل‌دهنده که می‌بایست متشکل از عناصر مادی مجرمانه نیز باشد و علی‌رغم نتایج متعدد این افعال را مستحق یک مجازات می‌دانست.

با وجود سکوت قانون در فرض فوق آراء متعدد صادره از دیوان عالی کشور به آن تاکید نموده و خلاء قانونی را پر کرده بود. در حقوق جزای اسلامی یعنی در سیستم جدید حقوقی جمهوری اسلامی، با تاسیس حق الناس تعدد نتایج واجد اثر است و رویه قضایی گذشته با اصول فعلی منطبق نیست (الهام، ۱۳۷۲، ۱۰). تبصره ۱ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فروض تعدد نتیجه حکم این نوع از رفتار مجرمانه را تعیین نموده است. البته باید توجه داشت تعدد نتایج یکی از فروض تعدد معنوی است اما تبصره حاضر در ذیل ماده مربوط به تعدد مادی آورده شده است که جای بحث دارد اما به دلیل تعیین تکلیف فرضی از تعدد که استفاده عملی دارد اقدامی قابل تقدیر از طرف قانون‌گذار می‌باشد. و طبق تبصره فوق-الذکر با توجه به تعداد نتایج مجرمانه حادث از رفتار مجرمانه واحد و براساس تقسیم‌بندی تعدد مادی جرایم موجود در ماده ۱۳۴ قانون مذکور در مورد مجرم رسیدگی و حکم مقتضی به اجرا گذاشته می‌شود. در سیستم جزایی جدید که براساس قوانین اسلامی می‌باشد با وجود حق الناس تعدد در حدوث نتایج دارای اثر است و ظاهراً این تبصره قانونی جهت تحقق اهداف قانون‌گذار براساس مبانی حقوق اسلامی وضع گردیده است.

فردی اقدام به تاسیس فاحشه خانه و قمارخانه می‌نماید براساس قانون دائر کردن مرکز فساد و فحشاء و تشویق و ایجاد موجبات فساد و فحشاء موجب حبس حداکثر تا درجه ۴ می‌باشد و محکومیت دائر کردن قمارخانه حبس حداکثر درجه ۶ و جزای نقدی درجه ۷ و در صورتی که عمل وی موجب احراز جرم

قوادی گردد موجب حد قوادی و در صورت تعدد عمل وی حد عمل وی در صورت مرد بودن مجرم ۷۵ ضربه شلاق و تبعید می‌باشد.

براساس تبصره ۱ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی دادگاه حداکثر مجازات جرایم منتصب به مجرم را تعیین و چون نتایج حاصل به تعداد نتایج جرم مرتکب که دایر کردن مرکز فساد، دایر کردن قمارخانه و قوادی یعنی سه نتیجه مجرمانه است فقط مجازات اشد در مورد مرتکب اعمال می‌گردد که حبس از درجه ۴ می‌باشد و از طرفی مجازات حدی تحت قاعده تعدد جرایم تعزیری نبوده و با مجازات تعزیری جمع و در مورد مرتکب اعمال می‌گردد. لذا آنچه نهایتاً در مورد مرتکب فوق اعمال می‌گردد حداکثر حبس درجه ۴ و ۷۵ ضربه شلاق و تبعید و تعطیلی محل می‌باشد.

فردی که بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت در رانندگی یا تصدی وسیله موتوری موجب فوت دو نفر و قطع نخاع یک نفر که وی فلج گردیده و کر شدن یکی از آسیب دیدگان شده و قسمتی از بینی یک نفر از بین برود با توجه به قانون تصادف منجر به فوت طبق ماده ۷۱۴ تعزیرات موجب حبس درجه ۵ (۱ تا ۳ سال) و طبق ماده ۷۱۵ همان قانون قطع نخاع و کوری موجب حبس درجه ۶ (۲ ماه تا یک سال) و از بین رفتن قسمتی از عضو به موجب ماده ۷۱۶ این قانون موجب حبس درجه ۷ (۲ تا ۶ ماه). با عنایت به قوانین به نظر می‌رسد در قوانین جزایی ما بیشتر فعل واحد با نتایج گوناگون از نظر عملی مبتلا به دادگاه‌هاست (نوربها، ۱۳۸۶، ۴۱۴) مورد نظر قانون‌گذار بوده و با توجه به تبصره تعدد نتایج مصرح در قانون مجازات اسلامی اضافه بر دیه که در صورت مطالبه شکایت باید پرداخت گردد و به دلیل تعدد نتایج که بیش از ۳ نتیجه می‌باشد طبق ماده ۱۳۴ همان قانون بیش از حداکثر مجازات‌ها مشروط به آنکه از حداکثر به علاوه نصف بیشتر نگردد موضوع حکم قرار می‌گیرد یعنی مجازات درجه ۵ تعیینی و در مورد مفروض حداکثر مجازات ۳ سال حبس و نصف مجازات که به آن اضافه می‌گردد ۱/۵ سال حبس می‌باشد لذا مجرم حادثه حداکثر محکوم به ۴/۵ چهار و نیم سال حبس می‌گردد.

تعیین کیفر در تعدد جرایم که در قانون عنوان خاص دارند

مجازات مجرمی که مرتکب جرم می‌گردد امری بدیهی در حقوق جزایی می‌باشد و چنانچه مجرم رفتار مجرمانه متعدد مرتکب گردد و با احراز شرایط تشدید مجازات‌های مورد نظر قانون‌گذار در مورد وی اعمال می‌گردد.

گاهی اتفاق می‌افتد چند جرم توسط فردی ارتکاب می‌یابد که هر یک از این جرایم متعدد جرم مستقلی است اما قانون‌گذار مجموعه این جرایم را تحت یک عنوان مجرمانه گرد هم می‌آورد. با آنکه رکن مادی این قبیل جرایم از اعمال مادی با طبیعت‌های مختلف تشکیل گردیده است ولی مع هذا یک چنین جرمی را

خواه از نظر دکتین و خواه از نظر رویه قضایی، جرم واحد محسوب می نمایند و نه جرایم متعدد (پیمانی، ۱۳۷۴، ۴۱).

فرض کنید فرد مستی بدون گواهی نامه رانندگی مجاز و با تخطی از قوانین و مقررات با فرد عابری تصادف کرده و موجب فوت او (قتل غیر عمد) می گردد. طبق قانون جزایی جرایم مختلفی توسط فرد ارتکاب یافته است مثل شرب خمر، رانندگی بدون پروانه مجاز، تصادف منجر به قتل غیر عمد ولی آنچه که قانون گذار در ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات مورد حکم قرار داده است همه موارد را تحت یک عنوان مجرمانه خاص تعیین کیفر نموده است و حبس درجه ۵ را مورد حکم قرار داده است. قانون گذار علی الاصول به شدت کیفر در این مورد اعتقاد داشته لذا همان مجازات قانونی را کافی می داند (نوربها، ۱۳۸۶، ۴۱۶). آنچه که نظر مقنن را در این معنا آشکار می کند این است که چنانچه نظر قانون گذار به اعمال قاعده تعدد و اجرای مجازات های جرایم ارتكابی بود وضع قانون خاص که شامل شرایط مفروض باشد تحت عنوان ماده ای خاص بی مورد بود لذا در مورد جرایم متعدد فوق الذکر همان مجازات قانون خاص ماده ۹۴۹ قانون مجازات اسلامی اعمال می گردد.

در فرض دیگر فردی اقدام به جعل نموده و با استفاده از سند معجول اموال ثالث را می برد در فرض حاضر فرد نباید به اتهام جعل و استفاده از سند معجول محاکمه و مجازات گردد بلکه با توجه به اینکه مجموع اعمال وی تحت عنوان خاص مشمول جرم کلاهبرداری می باشد به این اتهام محاکمه و به موجب ماده ۱ قانون تشدید و به عنوان قانون خاص محکوم به حبس درجه ۴ (۱ تا ۷ سال) می گردد.

در مواردی که مجموعه جرایم ارتكابی توسط فرد در قانون عنوان خاص داشته باشد با همان عنوان محاکمه و مجازات می گردد و شرایط حاکم بر مجموعه جرایم برای قانون گذار مفروض و براساس آن شدت عمل لازم در مجازات مجرم در متن قانون پیش بینی کرده است و مقررات مربوط به قاعده تعدد جرم در مورد مرتکب اعمال نمی گردد.

تعیین کیفر در تعدد مادی

تعدد مادی در جرایم تعزیری تا سه جرم

هر فرد مرتکب جرمی شود مستحق مجازات چنانچه جرایم متعدد مرتکب گردد جامعه با شدت عمل بیشتری با وی برخورد می کند و مجازات شدیدتری را در مورد وی اعمال می نماید.

اما در طول دوران تجربه حقوق مدرن به این نتیجه رسیده است که؛ مهم ترین هدف مجازات اصلاح حال مجرم و دفاع اجتماعی است (الهام، ۱۳۷۲، ۱۹). لذا شدت عمل جامعه و تشدید مجازات باید به گونه ای باشد که ضمن تاثیر بازدارندگی و رعب انگیزی که در فرد و جامعه ایجاد می کند جامعه را نسبت به خطر احتمالی مجرم مصون نماید و امید به بازگشت و دوباره جامعه ی شدن را در مجرم از بین نبرد.

همانگونه که جامعه تمام تلاش خود را جهت حفظ امنیت و آرامش با مجازات و طرد مجرمین به عمل می‌آورد. از طرفی برای مجازات مجرمین جرایم متعدد نیز باید حدودی قائل باشد که قانون‌گذار ایران در تعیین کیفر جرایم مهم‌تر تعزیری (جرایم غیر از درجات هفت و هشت تقسیم‌بندی جرایم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) با تقسیم کردن مجرمین که تا سه جرم مرتکب شده‌اند و مجرمین با تعداد جرایم بیشتر در میزان خطرناکی مجرمین برای امنیت جامعه را درجه‌بندی کرده است و در حالتی که مجرمی مرتکب جرایم متعدد تا سه جرم شده باشد را مستحق مجازات اشد جرایم ارتكابی دانسته است.

معمولاً این طریقه را عدم جمع مجازات‌ها می‌نامند. لازم به توضیح است قاعده عدم جمع مجازات‌ها در اغلب قانون‌گذاری‌ها فقط ناظر به جرایم جنایی و جنحه‌ای است (پیمانی، ۱۳۷۴، ۲۸). قانون‌گذار ایران نیز ظاهراً از همین روش عدم جمع مجازات‌ها تبعیت نموده است چرا که پس از بیان اینکه هرگاه فردی مرتکب رفتار مجرمانه متعدد تا سه جرم گردیده دادگاه مکلف است حداکثر مجازات هریک از جرایم را تعیین و سپس مجازات اشد را در مورد مرتکب اعمال نماید و چنانچه مجازات جرم ارتكابی فاقد حداقل و حداکثر باشد دادگاه در تعیین حداکثر مجازات به میزان یک چهارم مجازات جرم به مجازات مقرر قانونی اضافه کرده و مورد حکم قرار می‌دهد و از طرفی با توجه به اینکه در قانون مجازات اسلامی تقسیم‌بندی به صورت سابق وجود ندارد اما مجازات‌های تعزیری به ترتیب شدید به ضعیف به هشت گروه و درجه تقسیم شده‌اند که همین قانون مجازات‌های درجه هفت و هشت را از شمول قاعده تعدد جرم خارج کرده است.

فرض کنید فردی مرتکب سه جرم تعزیری مشمول حبس درجه ۳ جزای نقدی درجه ۳ و حبس درجه ۴ گردیده است با توجه به آنچه بیان گردید طبق قانون مجازات اسلامی حداکثر شدیدترین مجازات در مورد مرتکب اعمال می‌گردد که حبس تا پانزده سال و جزای نقدی تا ۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که در تعیین مجازات اشد قانون مجازات اسلامی پس از تقسیم‌بندی مجازات‌ها به هشت درجه و در تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون حبس را ملاک عمل در تعیین مجازات اشد دانسته است لذا مجازاتی که در مورد مجرم اعمال می‌گردد همان پانزده سال حبس می‌باشد.

تعدد مادی جرایم تعزیری بیش از سه جرم

تعدد رفتارهای مجرمانه ارتكابی توسط یک فرد نشان از حالت خطرناک فرد برای جامعه دارد و چنانچه تعداد جرایم ارتكابی از یک حد نسبی فراتر رود نگرانی جامعه را تشدید می‌کند. لذا با حساسیت بیشتر با موضوع برخورد می‌نماید و مجازات فرد مجرم را تشدید می‌نماید. ممکن است با توجه به متعدد بودن جرایم فقط یک مجازات تعیین نمود ولی از طریق افزودن به حداکثر قانونی مجازات شدیدترین جرم (پیمانی، ۱۳۷۴، ۲۷) لذا چنانچه مجرم بیش از سه جرم تعزیری نسبتاً بااهمیت بیشتر مرتکب گردد دادگاه برای هر جرم مجازاتی بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی را تعیین می‌نماید و فقط مجازات اشد را در مورد مرتکب اعمال می‌نماید که البته این اضافه کردن به حداکثر سقفی دارد و نمی‌تواند از بیش از

حداکثر به اضافه نصف تجاوز نماید. دادگاه از نظر مقدار افزایش (مجازات) به حداکثر مختار می‌باشد (پیمانی، ۱۳۷۴، ۵۷). چنانچه حداکثر محکومیت حبسی پنج سال باشد در صورت تعدد جرایم بیش از سه فقره دادگاه مکلف است به بیش از پنج سال حکم کند اما در تعیین حد فاصل پنج سال و یک روز تا هفت سال و نیم حبس برای مجرم در آن جرم خاص کاملاً مختار است و این حالت جمع قضایی مجازات‌ها می‌باشد.

بر طبق تبصره ۳ ذیل ماده ۱۹ ق.م.ا مجازات‌های تعزیری چنانچه مجرم مرتکب جرایم متعدد بیش از سه فقره شده باشد ملاک در اعمال مجازات اشد مجازات حبس می‌باشد و در مورد مجازات‌هایی که از یک نوع باشند تعیین مجازات اشد به سادگی و با مقدار اضافی واحد اندازه‌گیری مجازات تعیین می‌گردد. البته آنچه که در خصوص اجرای مجازات اشد لازم به توجه است، این است که در جرایم متعدد تعزیری چنانچه به علل قانونی مجازات اشد که می‌بایست در مورد مجرم اعمال شود تقلیل یابد یا تبدیل شود یا غیرقابل اجرا گردد، مجازات اشد بعدی در مورد مجرم اعمال می‌گردد.

اساس مقررات مربوط به تعدد جرم از یک طرف مبتنی بر تشدید و از طرف دیگر مبتنی بر عدم جمع مجازات‌ها است (پیمانی، ۱۳۷۴، ۶۰). محاکم در برخورد با جرایم متعدد بیش از سه جرم با احراز و مفروض دانستن خطرناکی مجرم برای جامعه مجازات وی را نه تنها به حداکثر بلکه به بیش از آن تشدید می‌نمایند و در این تشدید مجازات اختیاری نداشته و مکلف به شدت عمل و تشدید مجازات به بیش از حداکثر قانونی می‌باشند و از طرفی قانون‌گذار جهت مهار خود رأیی احتمالی محکام، سقف تشدید مجازات را تعیین نموده است و پس از مجازات همه جرایم ارتكابی مجرم مجازات اشد را در مورد وی اعمال می‌نماید تا علاوه بر عدم جمع مجازات‌های جرایم ارتكابی مجرم و اعمال آن، شدت عمل کافی را در مورد مرتکب جرایم متعدد با تعداد جرایم زیاد را داشته باشد و اهداف مجازات به میزان قابل قبولی حاصل گردد.

نتیجه‌گیری

تعدد جرم از حقوق کیفری می‌باشد و در طول دوران قانون‌گذاری کشور ما تحولات و فراز و فرودهایی را تجربه کرده است. تا سال ۱۳۵۲ و با دیدگاه قانون جزای عمومی سابق در طی چند اصلاح، قوانین در حیطه مورد بحث شرایط مطلوبی پیدا کرده بود. پس از تغییر نظام سیاسی، قانون‌گذار با شتاب دست به تغییراتی زد که بیشتر تحت تاثیر شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه حاصل شده بود.

در این دوره با الگوبرداری از مجازات جرایم مستوجب حد قواعد جدید بدون توجه به تجربه قانونی سابق در خصوص تعدد جرایم وضع گردید. سه دهه آزمودن قوانین و صدور آراء متعدد از دیوان‌عالی کشور نشان از ضعف مفرط قانون در پاسخگویی به نیازهای سیستم قضایی در رسیدگی به جرایم متعدد بوده و از دیدگاه حقوق کیفری نیز قوانین موجود مجازات متناسب با جرایم متعدد را اعمال نمی‌کردند. با عنایت به

شرایط مذکور قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ دست به تغییرات گسترده در تعدد جرایم مستوجب تعزیر زد و در تعدد جرایم مستوجب حد، قصاص و دیات قوانین جدید وضع نمود.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعدد جرایم مستوجب تعزیر اعتباری اقدام به قانون‌گذاری جدید با حفظ قوانین سابق نموده است. ماده ۱۳۱ جرایم تعزیری که رفتار مجرمانه واحد، عناوین متعدد مجرمانه داشته باشد مرتکب را به مجازات اشد محکوم نموده است. البته حالات دیگر تعدد معنوی جرایم را قانونگذار به عنوان تبصره و تحت ماده قانونی تعدد مادی آورده است. جرایم متعدد که در قانون عنوان خاص دارند با مجازات عنوان خاص روبرو می‌شوند و جرایم واحد که نتایج متعدد ایجاد می‌کنند مستوجب مجازات متعدد به اساس قاعده تعدد جرم مادی می‌باشند. تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۱۳۴ دو حالت از امکان تعدد معنوی جرایم را ذکر کرده است. گذشته از نوع نگارش و محل قرار گرفتن مواد قانونی مذکور به جهت بررسی حالات جدید تعدد جرم در قانون و تعیین تکلیف آن، ضمن تسهیل در امر رسیدگی به جرایم در محاکم و صدور آراء تحت حاکمیت قانون و به دور از اعمال سلاهی محاکم؛ قانون روشن شده و شرایط تحقق جرم و میزان مجازات و حفظ حقوق متهم در قبال دادگاه در آن لحاظ گردیده است. ماده ۱۳۱ در نگارش تغییر کمی را تجربه کرده اما با جرم انگاری رفتار مجرمانه دامنه اعمال مجازات مرتکب را علاوه بر فعل مجرمانه به ترک فعل مجرمانه نیز گسترش داده است و ایراد نگارشی کمتری به نسبت قانون سابق دارد. ملاحظه می‌گردد در بخش تعدد اعتباری جرایم مستوجب تعزیر قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ تغییرات مثبت در جهت گسترش محدوده اعمال قانون در جرایم در سایه یا ترک فعل مجرمانه داشته است.

فهرست منابع و مآخذ

- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۵). حقوق جزای عمومی جلد دوم. تهران: بنیاد حقوقی میزان
- الهام، غلام حسین. (۱۳۷۲). مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم. تهران: انتشارات مجد
- پیمانی، ضیاءالدین. (۱۳۷۴). بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم. قم: چاپ نگین
- دلاور، علی، (۱۳۹۲)، روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه، (۱۳۹۳)، روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر آگه
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۸۸). حقوق جزای عمومی جلد دوم. تهران: انتشارات مجد
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۸). بایسته های حقوق جزای عمومی ۳-۲-۱. تهران: بنیاد حقوقی میزان
- مهرا، نسرین، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز
- نوربها، رضا. (۱۳۸۶). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: گنج دانش
- قانون آئین دادرسی عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۱
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحات بعدی
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

